

شاید در دوران ما اگر بخواهد چیزی شبیه شرطه‌الخمیس باشد، «سیح مستضعفین» است. البته میان افراد، یک عده انگیزه و قدرت جریان‌سازی بیشتری دارند، قدرت به حرکت درآوردن یک جمع دارند. به این اعتبار و شاید از این منظر به این‌ها حلقه‌های میانی گفته می‌شود که می‌توانند دیگران را پیش برانند، به جلو بکشانند. می‌توانند توانمندسازی کنند و جامعه را توانمند سازند.

غیر از این روایاتی که ذکر شد، روایات دیگری نیز یافت می‌شود که مضامینش در مورد اموری مانند حلقه‌های میانی تطابق دارد. فرمود: «إِنَّ اللَّهَ شَبَّحَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا يَمَّا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛» خدای سبحان روزی فقرا را در اموال توانمندان و پول داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان در باره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید. مضمون این دست از روایات این است که یک عده ضعیف‌اند و یک عده قوی و خداوند تقویت ضعیفان را به عهده اقویا گذاشته است.

اسحاق بن عمار گفت پیش امام صادق (ع) بودم، به قدری امام در مورد مواسات فرمود و سفارش کرد که من تعجب کردم و گفتم پس ما خیلی در این امر عقبیم. در باب مواسات، واجبات بسیاری نهفته است. حضرت فرمودند که در دولت اسلامی واجب است تسهیل‌گری داشته باشید، از یکدیگر پشتیبانی کنید و ناتوانان را توانمند سازید. حلقه‌های میانی کسانی هستند که قدرت توانمندسازی و برطرف کردن آسیب‌ها را دارند، می‌توانند معضلات و مشکلات را حل کنند و این قابلیت را دارند که مردم را به میانه‌کار بکشند و در وسط میدان انجام وظایف اجتماعی و مأموریت‌های عمومی در کنار ولایت قرار دهند. سخن از یک واجب شرعی است که در رساله‌های عملیه نیست، اما لزوم و وجوب دارد. آن تکلیف شرعی این است که بر مکلف، واجب است نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل کند؛ چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی، چه تشکیلاتی و چه غیرتشکیلاتی؛ چه در قالب دولت و چه فاعل از دولت؛ چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی. تبدیل کردن نقاط ضعف به نقاط قوت، تبدیل کردن تهدیدها به فرصت‌ها، نقش کلیدی حلقه‌های میانی است و مصداق واجب شرعی است. ضعف‌ها باید شناسایی و برطرف بشود. هر کسی باید جستجو کند که خودش چه وضعی دارد، دیگران چه وضعی دارند، در پیرامونش چه ضعف‌هایی آشکار است، ضعف‌ها را بیابد و برطرف کند. واجب است هر کس که قوی است از انسان‌های ضعیف دستگیری کند. واجب است که دست پایینی‌ها را بگیرد و آن‌ها را بالا بکشد. در زمینه ضرورت و کارکرد حلقه‌های میانی مباحث مفصلی می‌توانیم مطرح کنیم. روایات «باب وجوب الاهتمام بأمور المسلمین» یا روایات فراوان «باب استحباب نفع المؤمنین» یا «باب استحباب قضاء حاجة المؤمن والاهتمام بها» یا «باب استحباب خدمة المسلمین ومعاونتهم» از این نمونه است که باید یادآوری کنیم از این روایات، استحباب استنباط نمی‌شود، بلکه وجوب استنباط می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مؤمنین این است که به هم خدمت می‌کنند و در آیه شریفه بیان کرد: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ»، مبارک به معنی مایه برکت و بسیار سودمند (کثیرالنتفع) است. روایت داریم که «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اتَّفَعَ بِه النَّاسُ»، بهترین افراد نزد خداوند کسی است که به خلق الله نفع بیشتری برساند و مردم بیشتر از او بهره‌مند شوند. روایات در این باب بسیار زیاد و پرتکرار است. روایتی از امام حسین (ع) داریم که می‌فرماید: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسِّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

در نهایت باید گفت در میان جامعه یک عده پیشتاز هستند. افرادی که امکان توانمندسازی دارند، قابلیت جریان‌سازی دارند، کنشگری بیشتری دارند، چه در بعد ساختارسازی، چه در بعد محتواسازی. افرادی که پیشتازند، جلودارند، سازمان‌یافته هستند. چنین افرادی نقش حلقه‌های میانی را دارند که یکی از سازوکارهای مردمی کردن دولت است. حلقه‌های میانی کارویژه و رویکردشان پیگیری مصالح عمومی و جلوگیری از مفاسد عمومی است. شاید یکی از معانی این آیه که می‌فرماید: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» همین است، خطاب آیه که می‌گوید قدرتمند شوید و قدرت فراهم آورید به کل جامعه است؛ یعنی هم‌زمان امام و امت قدرت بورزند، دولت و ملت توان قدرتمند شوند. همه باید بکوشند که ایران قوی بشود. ۱